

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۶ جولای ۲۰۲۳

فریده نوری

نکر خیری از طبیب نامدار کشور پروفیسر بالمکنداس

پوهاند بالمکنداس در گذر شوربازار کابل کهنه در ماه حمل سال ۱۲۹۲ شمسی مطابق به ۱۴ اپریل ۱۹۱۳ میلادی در یک فامیل روشنفکر متولد گردیده اند. محترم پروفیسر بالمکنداس از طفولیت علاقمند بود تا به کمک مردم بینوا و مریضان بشتابد، زیرا وی در فامیل چشم به جهان کشود که همه حکیمان بودند و به اصطلاح، مردم را با ادویه یونانی (عطاری) معالجه می کردند. این سبب شد که ایشان به علم طبابت علاقمندی پیدا نمودند.

محترم بالمکنداس فارغ التحصیل لیسه عالی حبیبیه بودند بعد از فراغت از لیسه در سال ۱۳۱۱ شمسی مطابق به ۱۹۳۲ میلادی در پوهنخی طب کابل که از طرف استادان ترکی تدریس می شد، شامل آموختن علوم طبی گردیدند.

تعمیر پوهنخی طب کابل آن زمان به کمک ترک ها ساخته شده بود و در شروع به تعداد بیست و پنج محصل در آن جا مشغول آموختن علم طبابت بودند.

در سال ۱۳۱۵ شمسی تهداب طب عدلی توسط استادان ترکی گذاشته شد، لکن در سال ۱۳۳۳ پروفیسر بالمکنداس در فعال شدن این رشته که برای قضا از اهمیت به سزای برخوردار می باشد خدمات قابل قدری نمودند. زیرا طب عدلی یک شعبه مستقل طب می باشد که در آن از دانش طبی در حل قضایای مشکوک و جنایی استفاده می گردد.

محترم پروفیسر بالمکنداس بعد از اخذ دیپلوم از فاکولته طب، با گذشتادن با موفقیت امتحان کانکور شامل کدر علمی فاکولته و در شعبه جراحی عمومی داخل خدمت گردیدند، ایشان در عین زمان مضمون اناتومی برای صنوف اول و دوم فاکولته طب را تدریس می کردند.

در سال های ۱۹۴۲-۱۹۴۳ سرویس جراحی عمومی به سرویس های اختصاصی جراحی تقسیم گردید و پوهاند بالمکنداس تهداب سرویس یورولوژی (Urologie) یا امراض جهاز بولی تناسلی را گذاشتند و به حیث اسیستانت Prof. Zokie Tong معرفی و مشغول خدمت شدند. داکتر بالمکنداس اولین جراح اختصاصی در این رشته شناخته شده، و با تداوی، مریضان این رشته را آرامش بخشیدند و از شهرت زیادی برخوردار گردیدند. و همچنان داکتر بالمکنداس صفت نخستین طبیب این رشته، تهداب تداوی و جراحی پروستات و سنگ های گرده را به صورت ابتدایی گذاشتند.

بعد از جنگ جهانی دوم توامیت بین فاکولته طب کابل و پوهنتون کلود برنارد شهر لیون (Université Claude Bernard - Lyon) برقرار گردید.

تدریس اناتومی به صورت نظری یا Théorique و عملی یا Pratique که عبارت از تسلیخ بالای میت می باشد، شامل پروگرام گردید. اما در آن زمان در پوهنخی طب پوهنتون کابل وسایل و شرایط تسلیخ مهیا نبود بدین جهت پوهاند بالمکنداس شاگردان خود را به هندوستان جهت کار عملی یعنی تسلیخ همراهی می کردند. محترم پوهاند بالمکنداس با متحمل شدن مشکلات زیاد در این راه خدمات قابل قدری نموده اند زیرا ایشان یگانه شخصی بودند که نه تنها به زبان های دری و پشتو بلکه به زبان های انگلیسی، فرانسوی، هندی، اردو و پنجابی نیز تسلط داشتند، بلکه با محیط هندوستان نیز بلدیت کامل داشتند.

پوهاند بالمکنداس جهت همراهی شاگردان برای آموختن عملی مضمون اناتومی به هند، مشکلات زیاد را بعد از به وجود آمدن پاکستان متقبل شدند.

نقل قول از یکی همکاران داکتر بالمکنداس که در آن زمان مدیریت تدریسی پوهنخی طب را عهده دار بودند:

بعد از بوجود آمدن پاکستان وقتی پروفیسر بالمکنداس با شاگردان روانه هند از طریق زمین بودند، نظر به گرانی تکت طیاره، باید سفر از طریق زمین صورت میگرفت، لاکن وقتی ایشان به سرحد می رسند به دلیل هندو بودن شان وی را پاکستانی ها اجازه نمی دهد که از طریق خاک شان به هند داخل شوند. وقتی جناب شان این خبر را به مقامات پوهنتون می رسانند، مقامات مجلسی با رؤسای پوهنتون و پوهنخی طبتشکیل می دهند و از جناب شان خواهش می کنند، برای رفع این مشکل و هم برای این که در تحصیل شاگردان سکتگی رخ ندهد و آن ها از درس اناتومی که یکی از مباحث مهم در

شناخت اعضای بدن می باشد، شاگردان محروم نشوند، برای شان یک پاسپورت با انتخاب یک نام مسلمانی (عبدالله) مشکل برطرف می گردد. محترم پروفیسر بالمکنداس بدون کوچکترین تردید می پذیرند. این خود نشان دهنده شخصیت والای شان می باشد.

در مورد برعکس قضیه، مثلاً اگر برای همین نوع کار خیر از یک داکتر مسلمان کمک خواسته می شد، من شک دارم که مورد قبول واقع می گردید.

البته در مورد بزرگواری شان قصه های زیاد موجود است، از جمله یکی از حکایت ها در مورد شان که برای من بسیار جالب واقع شد به شما ارائه می کنم:

نقل قول از پوهاند خوشبین که حکایت را از زبان پوهاند بالمکنداس شنیده بودند:

یک شب به ساعت دو بجه شب شخصی دروازه خانه شان را دق الباب می کند برایش احوال می دهند که شخصی دم در آمده و با شما کار دارد. وقتی پوهاند بالمکنداس دم در می روند مرد ناشناس عذر می کند که من مریض دارم لطفاً به داد من برسید ورنه مریضم تلف می شود. ایشان بعد از پوشیدن لباس و گرفتن اسباب و لوازم معاینه از شخص می پرسند که آیا موتر دارد، وی می گوید نخیر در این وقت شب تکسی پیدا کرده نتوانستم. به موتر ران خود می گویند که موتر را حاضر کند و روان می شوند وقتی شخص در مقابل خانه خود می رسد دست های پروفیسر را بوسیده و در خانه خود داخل می شود و می گوید ببخشید در این وقت شب وسیله نقلیه پیدا کرده نتوانستم تا خود را به خانه ام برسانم و باعث زحمت شما شدم(آن شخص درحقیقت هیچ مریضی در منزل نداشت و فقط از موتر جناب بالمکنداس برای رسیدن به منزل استفاده کرده بود). دریور پروفیسر بالمکنداس پائین می شود تا جزای شخص فریبکار را بدهد، اما جناب بالمکنداس مانع می شوند.

پوهاند بالمکنداس همیشه سعی و تلاش به ارتقای طبابت و رفاه جامعه داشت و ایشان شخص بسیار نیکوکار بوده و میکوشیدند تا با معلولین و اشخاص بی بضاعت کمک و رسیدگی نمایند.

وی اولین شخصی بود که در سال ۱۹۵۵ برای نخستین بار پیشنهاد نمود تا طب عدلی به حیث یک مضمون شامل پروگرام تدریسی پوهنخی طب گردد، پیشنهادش قبول و داکتر بالمکنداس به حیث شف دیپارتمنت طب عدلی پوهنخی طب معرفی گردید.

بعد از گذاشتن تهداب طب عدلی مساعی زیاد به خرچ داد تا یک تعداد قوانین، جهت حفظ از حقوق مریضان که در نتیجه عملیات ها باعث اختلاطات و معیوبیت ها می گردیدند، وضع شود، اما با وجود

پافشاری زیاد چون شرایط در آن زمان مساعد نبود، فلذا قوانین قابل تطبیق نمی توانست باشد که همیشه از این ناحیه رنج می بردند و آزار شان می داد.

باید خاطر نشان گردد که هیچگاه تا به الحال در مورد خطا های طبی قوانین تطبیق نگردیده است. لازم به یاد آوری است که بر علاوه سفر های که با شاگردان در هندوستان داشتند، سفر های زیاد دیگر نیز در هندوستان نموده اند. این سفر های رسمی وی در هندوستان جهت کسب و پیاده نمودن قوانین طبی و دفاع از مریضانیکه در اثر حوادث ایکه هنگام تداوی طبی و یا جراحی رخ می دهد و سبب معیوبیت و معلولیت مریضان به درجه های مختلف و یا مرگ می شود، دفاع گردد.

البته در این زمینه یک تعداد قوانین از طرف دوکتوران فرانسوی که برای تدریس می آمدند پیشنهاد شده بود، اما برای شرایط کشور در آن زمان قابل تطبیق نبود.

پوهاند بالمکنداس در سال ۱۹۵۰ مطابق ۱۳۲۹ هجری در بخش مدیریت تدریسی برای مدت زیادی به حیث مشاور، کمک های لازمه را انجام داده اند. و همچنان افتخار مشاوریت تدریسی را بر علاوه پوهنخی طب کابل، در فاکولته طب جلال آباد نیز داشتند.

پوهاند بالمکنداس چندین بار از طرف پوهنتون کابل به ممالک خارج سفر نموده اند که از جمله می توانیم از: **Université Claude Bernard**، در شهر لیون فرانسه، در امریکا تحت پروگرام **Asia Fondation** و در هند از **All India Institute of Médical Science New Delhi** نام برد.

در سال ۱۹۵۵ برای کمک به آسیب رسیدگان زلزله کویته که در پاکستان به وقوع پیوست و باعث کشته شدن ۱۵۰۰۰ نفر و زخمی شدن چندین هزار نفر گردید، به آنجا سفر کرد.

برای مدت شش هفته مسئول تداوی زخمی ها و تشخیص هویت آنها کار نمود.

در کابل به افتتاح و سرپرستی مکتب دختران در شهر کهنه کابل بنام جمعیت خیریه و ساختن کورس های اکابر برای خانم ها اقدام نمودند.

با حلال احمر یا سره میاشت با تداوی نمودن مریضان شان همکاری می نمودند.

بالاخره در سال ۱۹۶۵ موفق به ساختن مکتب به نام آسمایی (**Asamaie School**) که سال ها در فکر آن بود، گردیدند. این مکتب در باغ مندر آسمایی در آسمایی وات تأسیس گردید که شاگردان و

جوانان تحصیل کرده را گردهم جمع نموده بود و شاگردان را در بخش های دری، محاسبه، انگلیسی و هندی کمک می نمودند. در این راه جهت تنویر جوانان زحمات زیاد و قابل قدر را متقبل گردیدند.

این مکتب در زمان جنگ های داخلی کابل از بین رفت.

داکتر بالمکنداس وقتی از خانه خود که در شهر کهنه موقعیت داشت تغییر منزل داد خانه شهر کهنه را به کسانیکه از مکتب دختران سرپرستی می کردند بخشید.

پوهاند بالمکنداس از فکر بی نوایان و مردمان بی بضاعت که از نظر روانی و فزیکتی تکلیف داشتند، لحظه غافل نشدند و برای شان کمک های طبی را مهیا می ساختند.

در بخش اجتماعی، ایشان شخص خوش برخورد و مهربان بودند، از افکار گاندی پیروی می کردند و آن را سرمشق زندگی خود قرار داده بودند و پیروی می کردند.

در زمان آزادی هند کسانیکه در به مقابل انگلیس ها مبارزه می کردند و تحت تعقیب قرار می گرفتند به کابل پناه می آوردند، پوهاند بالمکنداس آن ها را مخصوصاً در قسمت بود و باش شان کمک های لازم می نمودند.



با ارزش ترین آثار پوهاند بالمکنداس قرار ذیل اند:

- تشریح عضلات و مفاصل به زبان دری

- سیمیولوژی (Sémiologie) امراض بولی و تناسلی

- گرفتن اهمات در واقعات عاجل

- رهنمای تسلیخ

- تاریخ طب عدلی فاکولته طب کابل

- اصول های نگهداری میت برای تسلیخ

ایشان آثار متعدد زیادی از خود بجا گذاشته اند، و همه آثار شان در آرشیف پوهنخی طب پوهنتون کابل موجود است.

در اخیر عمر مصروف نوشتن سیر طبابت در افغانستان بودند که متأسفانه مرگ برای شان مجال نداد، و در ماه اسد سال ۱۹۷۹ چشم از جهان پوشیدند و به ابدیت پیوستند.

نکاتی چند در مورد پروفیسر بالمکنداس، اقتباس شده از کتاب

"تاریخ هندو ها و سکه های افغانستان"

به قلم: انجینیر گیانچند



پوهاند داکتر بالمکنداس در سال ۱۹۱۳ در کابل چشم به جهان کشود. در سال ۱۹۴۱ از پوهنتون کابل در رشته طب فارغ و به حیث داکتر معالج جراحی، بولی و تناسلی و طب عدلی وظایف داشت. در سال ۱۹۶۰، اولین جراحی گرده را به موفقیت انجام داد. موصوف برای مدتی وکیل هندو ها و سکه های کابل بود. محصلین طب را تدریس یورولوجی، اناتومی و پتالوجی استاذ بود. وی همچنان مسئولیت طب عدلی را به دوش داشت. در زمان رژیم خلقی از وظیفه سبک دوش گردید. در ابتدا وظیفه وکیل گذر هندوها را به دوش داشت. نسبت حسن عاطفه و نوع دوستی، نزد همه محبوب و در خور ستایش بود. موصوف در سال ۱۹۷۹ چشم از جهان پوشید. (پایان نقل قول)

در اخیر از همکاری داکتر جگندرناث کپور اظهار امتنان می نمایم که در این مختصر مرا کمک زیاد نمود.